اعترافات مرد متاهل به قتل زن صیغه ای

گروه حوادث – مردی که زن ۲۲ ساله ای را در یک منزل اجاره ای به قتل رسانده بود، پس از چند ماه داستان سرایی های ساختگی درباره مرگ هولناک آن زن، بالاخره با مشاهده اسناد و مدارک انکارناپذیر، لب به اعتراف گشود و در حالی به ارتکاب جنایت اعتراف کرد که تاکنون مدعی بود زن جوان خودکشی کرده است!

متهم این پرونده جنایی بعد از آن که به سوالات تخصصی قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) در پلیس آگاهی خراسان رضوی پاسخ داد و ابعاد دیگری از قتل زن جوان را فاش کرد، در حالی که مدام تکرار می کرد «جنایت من، نتیجه خیانت به همسرم بود!» پشت میله های بازداشتگاه به تشریح سرگذشت خود پرداخت. آن چه می خوانید حاصل گفت و گوی یک ساعته با آدمکشی است که بعد از دستگیری، از وقوع این جنایت وحشتناک ابراز پشیمانی می کند.

نامت را می گویی؟ مرتضی – گ هستم.

سواد داری؟ بله! تا سوم راهنمایی (سیکل) درس خواندم.

چند ساله هستی؟ ۳۵ سال دارم.

کجا زندگی می کنی؟ دوران جوانی ام را در منطقه گلشهر مشهد گذراندم اما در یکی از روستاهای تربت جام به دنیا آمدم.

چه شد که به مشهد مهاجرت کردی؟ پدرم منزلی را در کوی گلشهر خریده بود ولی خودشان در روستا زندگی می کردند. بعد از آن که ترک تحصیل کردم به همراه برادرم به مشهد آمدیم و در همان خانه ای ساکن شدیم که پدرم خریده بود. در واقع برای کار کردن به مشهد آمدیم.

شغلت چیست؟ من کارهای مختلفی را تجربه کرده ام و شغل های زیادی داشتم اما آن زمان شاگرد گچ کاری بودم و به گچ کاری ساختمان مشغول شدم.

متاهلی؟ بله! یک پسر هشت ساله هم دارم.

چند سال قبل ازدواج کردی؟ ۱۳ سال پیش بود که پای سفره عقد نشستم.

همسرت از بستگانت است؟ نه! غریبه بود.

چگونه با هم آشنا شدید؟ در خیابان! یک روز در قلعه ساختمان (شهرک شهید رجایی) ایستاده بودم که در یک لحظه دختری از مقابل چشمانم عبور کرد و من هم به او دل دادم. بلافاصله تعقیبش کردم تا این که نشانی منزلشان را پیدا کردم. بعد هم شماره تلفنش را گرفتم و به او زنگ زدم. این آشنایی و تماس های تلفنی ۳ یا ۴ ماه طول کشید که بعد به خواستگاری اش رفتم و ازدواج کردیم.

معتادی؟ نه! اهل چیزی نیستم!

یعنی سیگار هم نمی کشی؟ نه سیگار نمی کشم ولی گاهی قرص های مخدردار مانند متادون استفاده می کنم!

هنوز هم گچ کاری می کنی؟ نه! چندین سال در کار تجارت پسته بودم ولی بعد یک کار واش راه اندازی کردم که درآمدم خوب بود.

با زنی که او را به قتل رساندی، چگونه آشنا شدی؟ حدود ۴ سال قبل زمانی که در کار پسته فعالیت داشتم، تعدادی از زنان و دختران ایرانی و اتباع خارجی را برای شکستن پسته استخدام کرده بودم. یک دستگاه خودروی اقساطی (لیزینگی) هم برای خودم خریدم ولی با آن خودرو مسافرکشی نیز می کردم به همین دلیل بعد از پایان کار برخی از کارگران را به منزلشان می رساندم و کرایه می گرفتم. از سوی دیگر شماره تلفنم را به مشتریان و کارگرانم می دادم که اگر نیاز به سفر درون شهری داشتند با من تماس بگیرند. آن زمان «ز» (مقتول) در کوره های آجرپزی کار می کرد که چند بار با من تماس گرفت و من هم او را به محل کارش رساندم در این میان او از زندگی خودش می نالید و برایم درددل می کرد که نتوانسته خودش همسرش را برای ازدواج انتخاب کند و بالاخره دچار مشکل شده و از همسرش طلاق گرفته است. من هم که به حرف هایش گوش می دادم خیلی دلم به حالش سوخت و از سر دلسوزی به او پیام دادم و این گونه ارتباط ما آغاز شد.

یعنی فقط به خاطر دلسوزی با او ارتباط داشتی یا وسوسه‌های شیطانی هم به سراغت آمده بود؟ البته نمی توانم دروغ بگویم ۱۰ درصد هم به خاطر خودم بود!

نتیجه این ارتباط تلفنی چه شد؟ روابط ما هر روز بیشتر می شد تا این که با هم بیرون می رفتیم و او هم در آرایشگاه زنانه کار می کرد. خلاصه این ارتباط به جایی رسید که از سر دلسوزی تصمیم گرفتم برای او منزلی اجاره کنم!

اما آن زن متاهل بود، چگونه برایش خانه اجاره کردی؟ من نمی دانستم که او متاهل است به همین دلیل هم او را به عقد موقت خودم درآوردم.

چند ماه قبل این تصمیم را گرفتی؟ حدود هشت ماه قبل بود که منزلی را در کوی پنجتن برایش رهن و اجاره کردم و زیر قولنامه نوشتم که پول رهن را بعد از پایان قرارداد از بنگاه املاک دریافت کند. همه لوازم زندگی هم برایش تهیه کردم ولی فریب خوردم!

پشیمانی؟ خیلی زیاد! زندگی ام نابود شد هیچ گاه فکر نمی کردم که چنین سرنوشتی برایم رقم بخورد.

اگر زمان به گذشته برگردد و دوباره در شرایطی قرار بگیری که آن زن را سوار خودرو کرده ای! چه تصمیمی می گیری؟ دیگر غلط می کنم که با توجیه دلسوزی خودم را فریب بدهم! همان جا پایم را روی ترمز می کوبم و او را از خودرو بیرون می اندازم! و هیچ گاه به حرف هایش توجهی نمی کنم!

همسرت از ارتباط تو با آن زن جوان خبر داشت؟ بله! حدود ۳ ماه قبل یک بار مرا به همراه او دیده بود که مدتی از منزل قهر کرد و سپس از من تعهد گرفت که به او خیانت نکنم ولی ...

چرا به تعهد خودت پایبند نبودی؟ وسوسه های شیطان! قول دادم آن زن را رها می کنم اما نتوانستم و بالاخره «جنایت» عاقبت این خیانت شد! و من تاوان این خیانت را باید خیلی سنگین بپردازم.

اگر چند سال دیگر، دوستان فرزندت او را تحقیر کنند که پدرش یک خیانتکار قاتل است؟ چه حسی خواهد داشت؟

نمی دانم! چگونه می تواند این سرشکستگی را تحمل کند. همین الان وقتی به همراه همسرم به پلیس آگاهی آمد، قلبم درد گرفت.

همسرت را هم ملاقات کردی؟ بله!

چیزی نگفت؟ او سکوت کرد اما من گفتم! این سزای آه و ناله های تو ست که گریبان مرا گرفت! حلالم کن!

فکر نمی کنی به خاطر هوسرانی های خودت، زندگی و آینده خانواده ات را هم نابود کردی؟ درست است ولی آن زمان هیچ وقت به این روزها فکر نمی کردم.

برای افرادی که مانند تو در این شرایط قرار بگیرند چه توصیه ای داری؟ فریب نخورند! خودشان را با حرف های پوچ توجیه نکنند! فرجام «خیانت» همین است که من امروز در آن شرایط قرار دارم. البته کمتر کسی به این توصیه ها توجه می کند و زمانی به این جمله پی می برد که دیگر پشیمانی سودی ندارد!

چرا قصد داشتی صحنه قتل را خودکشی جلوه دهی؟ می ترسیدم! فکر می کردم شاید بتوانم راه گریزی برای رهایی از مجازات پیدا کنم ولی قاضی در همان دقایق اولیه متوجه شد که «ز» (زن ۲۲ ساله) کشته شده است.

چرا او را کشتی؟ تهدیدم می کرد روز حادثه هم شال خودش را به نردبان بست تا مرا تهدید به خودکشی کند که من هم عصبانی شدم و ...

بنزین برای چه تهیه کرده بودی؟ اول قصد داشتم پیکرش را بیرون از منزل ببرم و آتش بزنم که شناسایی نشود اما قبل از آن با یکی از دوستانم که در نیروی انتظامی خدمت می کند، تماس گرفتم و به دروغ گفتم «زنی در خانه ام خودکشی کرده است!» که او هم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و قبل از آن که من بتوانم چاره ای برای رهایی از این وضعیت بیندیشم، پلیس از راه رسید که بعد هم دستگیر شدم.

چه شد که بعد از گذشت ۱۰۰ روز از ماجرای قتل اعتراف کردی؟ دیگر هیچ راه گریزی نداشتم آن قدر اسناد و مدارک روی میز گذاشتند که خودم داستان سرایی هایم را باور نمی کردم!

نقشه قتل را از قبل طراحی کرده بودی؟ نه! اتفاقی او را کشتم!

ولی شال همسرت را با چاقو بریده بودی! و از سوی دیگر کلید منزل را به فرد دیگری هم داده بودی چرا؟ فقط می خواستم صحنه قتل خودکشی جلوه کند به طوری که انگار من برای نجات آن زن، شال را با چاقو بریده ام ولی عقلم نکشید که آن کارد بزرگ در کیف دستی آن زن (مقتول) جا نمی گیرد! و ...

سابقه خبر

عصر روز نهم دی، خبر مرگ مشکوک یک زن جوان در کوی پنجتن مشهد، کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی را به محل کشف جسد کشاند. بررسی های تخصصی کارآگاهان که زیر نظر سرهنگ کارآگاه مهدی سلطانیان آغاز شده بود، آثاری از یک جنایت عمدی را به تصویر کشاند به همین دلیل با حضور دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد) در این منزل مسکونی، تحقیقات به تاریکخانه این پرونده جنایی کشید و مقام قضایی با کنار هم گذاشتن قطعات پازل به هم ریخته این جنایت، در حالی دستور بازداشت مرد ۳۵ ساله را صادر کرد که وی مدعی بود مقتول همسر صیغه ای اوست! و دست به خودکشی زده است!

با انتقال متهم به پلیس آگاهی، بازجویی های فنی از وی به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) و با راهنمایی های قاضی دکتر صفری ادامه یافت تا این که متهم بعد از گذشت ۱۰۰ روز از این حادثه، تصمیم گرفت حقیقت ماجرا را بازگو کند. به همین دلیل او اوایل فروردین مقابل سرهنگ مرادی (افسر پرونده) نشست و در حالی به قتل زن ۲۲ ساله اعتراف کرد که مقام قضایی نیز در پلیس آگاهی حضور داشت.

قتل تعمیرکار خودرو با چاقوی مردان افغان

گروه حوادث –اعضای بدن تعمیرکار خودرو که با اصابت ضربات چاقو به مرگ مغزی مبتلا شده بود به بیماران نیازمند اهدا شد.

اسفند ۱۴۰۰ بود و همه خانواده‌ها مشغول کارهای آخر سال بودند تا خودشان را برای گرفتن جشن نوروز آماده کنند، اما در آن هیاهو خانواده پسری جوان به نام علیرضا سخا ۲۱ ساله بر اثر حادثه‌ای تلخ، نوروزی غم‌انگیزی را شروع کردند.

علیرضا فرزند بزرگ خانواده در حال بازگشت از محل کار با حمله چاقو از سوی دو تبعه افغان دچار حادثه شد و چند کوچه بالاتر از محل زندگی‌شان، خونین نقش بر زمین شد.

پدر علیرضا در توضیح این حادثه گفت: «ساکن قم هستیم و علیرضا تعمیرات جلوبندی خودرو انجام می‌داد. مغازه او نزدیک خانه بود و ظهرها برای خوردن ناهار به خانه می‌آمد. روز ۲۰ اسفند بود که پسرم ظهر حدود ساعت ۱۲:۳۰ حین برگشت از محل کار، در پارکی نزدیک خانه دو مرد افغان به او حمله می‌کنند و خیلی غافلگیرانه دو ضربه چاقو به سینه او می‌زنند. به گفته شاهدان حمله آن‌ها طوری بود که علیرضا فرصت دفاع از خودش را نداشت.»

مرد میانسال گفت: «حدود ۴۰ دقیقه پسرم خونین روی زمین افتاده بود، اما هیچ‌کس با اورژانس تماس نگرفته بود تا اینکه یکی از رهگذران که علیرضا را می‌شناخت همسرم را از این اتفاق باخبر کرد. همان موقع همسرم با من تماس گرفت و بعد از انتقال علیرضا به بیمارستان به آنجا رفتیم. پزشک همراهش می‌گفت در آمبولانس دو بار علیرضا را با شوک برگرداندند و وقتی به بیمارستان رسیدند بلافاصله او را به اتاق عمل منتقل کرده و تحت عمل جراحی قرار دادند، اما پزشک معالج او وقتی از اتاق عمل بیرون آمد گفت چاقو وارد قلب شده‌است. آن‌ها قلب را جراحی کردند، اما علیرضا به خاطر نرسیدن خون به مغز دچار مرگ مغزی شده‌بود. پزشکان گفتند علیرضا دیگر به دنیا بر نمی‌گردد و پیشنهاد اهدای عضو دادند.»

آقای سخا بغضش را در گلویش فرو داد و گفت: «من مانده بودم بین دو جواب. یک جواب بخشش زندگی به دیگران و جواب دیگر به همسرم که پایان زندگی پسرم بود. ساعت سختی بود، اما از خدا کمک گرفتم و به طرف همسرم رفتم. ماجرا را به سختی برایش توضیح دادم. او که گریه امانش نمی‌داد گفت راضی نیست. می‌دانستم تصمیم سختی است. به او فرصت دادم تا خوب فکر کند. لحظاتی گذشت و همسرم نزدیک شد. او صورتش از گریه خیس بود که سرش را تکان داد و گفت «راضیم به رضای خدا».

این جواب یعنی پیشنهاد پزشکان را پذیرفته بود تا جان دوباره‌ای برای ادامه زندگی به بیماران باشد.»

پدر علیرضا ادامه داد: «نزد پزشک رفتم و رضایت خودم و همسرم را اعلام کردم و قرار شد علیرضا به بیمارستان امام خمینی تهران منتقل شود. من و همسرم می‌توانستیم با علیرضا به تهران برویم، اما قبول نکردیم. نمی‌توانستم آن ساعت و لحظه‌ای که علیرضا را به اتاق عمل می‌برند تا اعضایش را اهدا کنند ببینم. ترسیدم آن لحظه از تصمیمی که گرفته بودم منصرف شوم.»

او در آخر گفت: «یکی از ضاربان پسرم دستگیر شده است، اما دیگری متواری است. هنوز انگیزه آن‌ها را نمی‌دانم، اما با حمله غافلگیرانه‌شان غم بزرگی را برای ما رقم زدند. تحمل غم از دست دادن پسرم با اهدای عضو او برایمان سبکتر است.»

فروش خانه ۶۲۰ میلیارد تومانی توسط کلاهبرداران حرفه ای

گروه حوادث – رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری ۶ کلاهبردار حرفه ای که با اسناد جعلی یک خانه ویلائی را در شمال تهران به خریدار فروخته بودند، خبر داد و گفت: کارشناسان ارزش ریالی این خانه ویلائی را ۶۲۰ میلیارد تومان محاسبه کرده‌اند.

سردار علیرضا لطفی در توضیح این خبر گفت: اواخر دی ماه سال گذشته، زن جوانی به اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران مراجعه و اظهار داشت، به من و خواهرم یک قطعه خانه ویلائی به متراژ ۳ هزار متر مربع در قلهک به ارث رسیده است که خارج از کشور زندگی می کردیم و مدتی قبل به کشور باز گشته و متوجه شدیم در سال ۹۸، خانه ویلای موروثی با اسناد جعلی فروخته شده است.

وی افزود: با رصد های اطلاعاتی زن جوانی که با مدارک و اسناد جعلی خود را به عنوان مالک خانه ویلائی به خریدار معرفی کرده بود شناسایی و در یک عملیات پلیسی متهم در مخفیگاهش دستگیر و به پلیس آگاهی تهران انتقال یافت.

رئیس پلیس آگاهی تهران به دستگیری ۶ متهم در این پرونده اشاره کرد و افزود: در این عملیات پلیسی سر کرده باند در اسفند ماه سال گذشته دستگیر و کلیه اسناد و مدارک جعلی از مخفیگاه متهم کشف شد و در ادامه سایر اعضای این باند نیز دستگیر شدند.

سردار لطفی در پایان گفت: کارشناسان ارزش ریالی اموال کلاهبرداری شده را ۶۲۰ میلیارد تومان اعلام کرده‌اند و متهمان با صدور قرار قانونی برای تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان اداره سیزدهم این پلیس قرار دارند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

دعوت به همکاری مشاور املاک:
املاک ایده آل از تعدادی مشاور املاک جهت همکاری دعوت به عمل می‌آورد، متقاضیان با شماره ۰۹۹۱۸۰۱۸۹۰۴ یا ۰۹۳۶۰۸۸۲۸۵۵ تماس حاصل نمایند.

دعوت به همکاری
موسسه رسانه ای و مطبوعاتی اقتصاد کیش جهت تکمیل کادر پرسنلی در بخش‌های مختلف از تعدادی خانم و آقا ،آشنا و علاقمند به فعالیت در امور اداری – اجرایی دعوت به همکاری می نماید علاقمندان به نشانی خیابان فردوسی ،ویلاهای مروارید، بلوک B3 ،طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه یا با شماره ۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل نمایند.

یک شرکت برای تکمیل نیروهای موردنیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۳۹۱۰ – ۴۴۴۲۴۹۹۹

مفقودی

اصل سند ششدانگ یک قطعه زمین صنعتی به شماره بیست و چهار تفکیکی از قطعه فاز یک صنعتی جزیره کیش دارای قرارداد شماره ۱۶/۲۶۴۱۹۲ مورخ ۸۳/۵/۶ که برابر دفترچه مالکیت به شماره سریال ۴۶۵۶۱ در صفحه ۳۵ دفتر ۳۵ دفتر ثبت منطقه به شماره ۱۰۹۶ املاک ثبت تهران ثبت گردیده به نام شرکت صنعتی و خدمات مهندسی ایران با مسئولیت محدود مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۰۰۸۹/۰۶ به نام فرهاد فخریه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

فروشگاه ستاره سحر لوازم صوتی، تصویری ، خانگی و سرمایشی بازار بهکیش، طبقه همکف ۴۴۴۴۴۵۶۷

عرضه قارچ

عرضه قارچ تولید کیش به کیشوندان بدون واسطه (تحویل در محل)
تلفن سفارش: ۰۹۳۴۷۶۹۲۴۹۶

عطاری

عطاری عین الشفا با سوغات همدان، انواع عرقیجات، داروهای گیاهی،گردو باپوست ومغز گردو تویسرکان،بادام درختی باپوست ومغز بادام، شیره انگور ملایر،ارده بروجرد و ...
آدرس:پارس خلیج فارس ، کوچه بابونه
شماره تماس ها ۰۹۱۸۸۱۵۵۹۰۳
۰۹۳۷۸۹۸۰۶۶۶ جنتی عطایی

حمل بار در جزیره
با ۶ چرخ (شبانه روزی)
۰۹۳۴۷۶۹۴۳۴۲ – ۰۹۳۴۷۶۸۴۳۴۲

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی
جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی –خدماتی –تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

تاسیسات ساختمانی کریمی
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

حمل بار

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹